

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱

خلاصه بحث

صحیحه برید بن معاویه عجلای که دلالت بر کفر تارک صلاة دارد اشکال سندی ندارد.

به نظر ما تعداد نمازهای واجب، هفت نماز است.

نماز جمعه در عصر حضور معصومین علیهم السلام واجب تعیینی است و اختلافی در آن نیست، ولی در مورد وجوب نماز جمعه در عصر غیبت اختلاف شده است.

توضیحی پیرامون صحیحه برید بن معاویه

در جلسات گذشته روایاتی را ذکر کردیم که ترک نماز را به منزله کفر دانسته بودند، که یکی از این روایات، صحیحه برید بن معاویه عجلای بود.

برخی از عزیزان گفتند که در سند این روایت، شخصی بنام محمد بن علی واقع شده است که ضعیف است، بنابراین نباید تعبیر به صحیحه بشود.

عرض ما این است که این محمد بن علی که در این سند واقع شده است ایرادی ندارد، بنابراین تعبیر به صحیحه هم درست است و مشکلی ندارد.

سند و متن این روایت به این شکل است:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ أَنْ يَكْفُرَ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا»^۱

^۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹، أبواب اعداد الفرائض، باب ۱۱، ح ۶، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱

و در ذیل این روایت نیز سند دیگری ذکر شده که به این نحو است:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ نَحْوَهُ».

مراد از «محمد بن علی» در سند اول، «محمد بن علی بن محبوب» است که خود از اجلاء است. و مراد از «ابن محبوب» در سند، «حسن بن محبوب» است. چون تعبیر «ابن محبوب» اگر به صورت مطلق ذکر بشود، منصرف به «حسن بن محبوب» است.

مرحوم خوئی و دیگران بیان کرده اند که «محمد بن علی بن محبوب» از «حسن بن محبوب» نقل روایت دارد. یعنی هنگامی که از «محمد بن علی بن محبوب» سخن گفته اند، مروی عنه او را «حسن بن محبوب» بیان کرده اند. و هنگامی که از «حسن بن محبوب» سخن گفته اند، نام «محمد بن علی بن محبوب» را به عنوان راوی از او ذکر کرده اند. بنابراین از جهت طبقه و امکان نقل هم مشکلی وجود ندارد.

پس سند این روایت صحیح است و مشکلی ندارد.

علاوه بر این، صاحب وسائل در ذیل این حدیث، طریق شیخ صدوق به این روایت را نیز نقل کرده که این سند در عقاب الاعمال، به نحو صحیح ذکر شده است. بنابراین حتی اگر سند اول را هم کسی خدشه کند، سند صدوق، کامل و صحیح است و مشکلی ندارد.

اعداد فرائض

امام راحل فرموده اند:

«فصل في مقدمات الصلاة، و هي ست:

المقدمة الأولى في أعداد الفرائض و مواقيت اليومية و نوافلها:

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱

مسألة ۱ الصلاة واجبة و مندوبة، فالواجبة خمس، اليومية، و منها الجمعة، و كذا قضاء ولد الأكبر عن والده، و صلاة الآيات، و الطواف الواجب، و الأموات، و ما التزمه المكلف بنذر أو إجارة أو غيرهما، و في عدّ الأخيرة في الواجب مسامحة، إذ الواجب هو الوفاء بالنذر و نحوه لا عنوان الصلاة»^۲.

علماء در تعداد نمازهای واجب اختلاف کرده اند. برخی، نمازهای واجب را ۹ نماز، برخی ۷ نماز، و برخی ۵ نماز دانسته اند.

به نظر ما، نمازهای واجب، ۷ نماز هستند که عبارتند از:

اول: نمازهای یومیه (که عنوانی جامع برای نمازهای پنجگانه ای است که در طول شبانه روز خوانده می شود).

دوم: نماز جمعه، که در عصر غیبت واجب تخییری است، و این وجوب تخییری با استحباب سازگار است، به این معنا که انسان بین ظهر و جمعه مخیر است و بهتر است که جمعه را اختیار کند. و همچنین با یومیه بودن هم سازگار است، به این معنا که روز جمعه هم یکی از روزهای جمعه است، و در روز جمعه یکی از این دو نماز بر انسان واجب است، یا ظهر را بخواند و یا جمعه را، و به نظر برخی از فقهاء، بهتر است که جمعه را اختیار کند.

سوم: نماز عیدین که در عصر حضور امام معصوم علیه السلام واجب است ولی در عصر غیبت مستحب است.

نماز عیدین در فقه عنوان مستقلی دارد و جداگانه بحث می شود، همانطور که نماز جمعه هم عنوان مستقلی دارد و در جای خودش بحث می شود و احکامش ذکر می شود.

آنچه که ما در اینجا مطرح می کنیم، بحث نماز جمعه نیست، بلکه فقط از این حیث که نماز جمعه یکی از نمازهای واجب است، پیرامون این وجوب در اینجا بحث می کنیم، و سایر مطالب مربوط به نماز جمعه را در جای خودش مطرح خواهیم کرد.

چهارم: نماز آیات، که شامل خسوف و کسوف و زلزله و مخوف سمائی می شود.

^۲ تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۰.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱

برخی از فقهاء هر کدام از نمازهای مربوط به خسوف و کسوف و زلزله را جداگانه مطرح و عنوان کرده اند، و به همین دلیل تعداد نمازهای واجب در نزد چنین علمایی بیشتر است. ولی به نظر ما همه این نمازها یک عنوان کلی دارند که همان نماز آیات است، بنابراین تعدد اسباب نماز آیات، موجب نمی شود که عنوان این نمازها هم متعدد بشود.

همانطور که نمازهای پنجگانه یومیه یک اسم کلی به نام نماز یومیه دارند و هر کدام جداگانه عنوان نمی شوند، مثلاً نماز صبح و نماز ظهر را دو عنوان جداگانه برای نمازهای واجب نمی دانیم، در مورد نماز آیات هم نماز خسوف و کسوف را نمی توان دو نماز مجزا دانست، بلکه هر دو از مصادیق نماز آیات هستند.

پنجم: نماز میت

برخی از فقهاء نماز میت را دعا دانسته اند و از نمازها به حساب نیاورده اند، ولی به نظر ما این مطلب صحیح نیست، و نماز میت یکی از نمازهای واجب است.

دلیل ما بر این مطلب این است که در تمام نصوص تعبیر به صلاة در مورد این نماز بکار رفته است. و اینکه در برخی از نصوص، صلاة بودن نفی شده است، معنایش این است که این نماز میت، با سایر نمازها تفاوت دارد، و مثل سایر نمازها نیست. چون بسیاری از ویژگی های نماز در آن نیست، مثلاً سوره حمد ندارد، رکوع و سجود و تشهد ندارد، و طهارت هم در آن شرط نیست. ولی در عین حال در همه نصوص از این نماز به نماز میت و نماز جنازه تعبیر شده است، بنابراین معلوم می شود که نماز میت نیز یکی از نمازهای واجب است.

بنابراین کثرت استعمال در نصوص، و کثرت استعمال در کلمات اصحاب و عموم مسلمانان، خودش یک حقیقت متشرعیه درست می کند که صلاة الميت نیز داخل در حقیقت صلاة اصطلاحی است.

سؤال: آیا تعبیر «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب» و امثال آن، دلیل بر این نمی شود که نماز میت را از حقیقت نماز خارج بدانیم؟

جواب: این نفی که در این روایات آمده است به معنای نفی کمال است، بنابراین اصل نماز بودن را نفی نمی کند.

ششم: نماز احتیاط

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱

نماز احتیاط خودش یک عنوان مستقل است که برای جبران نقص نماز، تشریع شده است، بنابراین خودش از نمازهای واجب است.

ممکن است کسی بگوید که نماز احتیاط مکمل نمازهای یومیه است، بنابراین خودش عنوان مستقلی نیست و ادامه همان وجوب نمازهای یومیه است، ولی این حرف صحیح نیست، چون اگر بنا باشد که نماز احتیاط عنوان مستقلی نباشد، نتیجه اش این می شود که نماز احتیاط ماهیت های گوناگونی داشته باشد که مثلاً بعد از نماز ظهر، نامش را احتیاط ظهر، و بعد از نماز عصر، نامش را احتیاط عصر بگذاریم، بنابراین باید بگوییم که نماز احتیاط خودش یک عنوان مستقل است.

البته از این جهت که این نماز احتیاط، مکمل نماز یومیه است، به همین دلیل می توانیم نماز احتیاط را نیز از اقسام نماز یومیه بدانیم.

بنابراین نماز احتیاط، خودش عنوان مستقلی نیست، و تحت نمازهای یومیه قرار می گیرد.

هفتم: نماز طواف، که این هم جزو نمازهای واجب است.

بنابراین **به نظر ما** تعداد نمازهای واجب، هفت نماز است.

وجوب نماز جمعه

بنده ابتدا که کتاب الصلاة را نوشتم، متعرض نماز جمعه نشدم و شرح مفصلی از آن نیاوردم. ولی بعدها به خاطر آوردم که حدود بیست سال قبل یک رساله ای در وجوب نماز جمعه نوشته بودم، پیگیری کردم و آن جزوه را در بایگانی دفاترم پیدا کردم و دیدم که جزوه جامع و کاملی است و حدود هفتاد صفحه است که به صورت منظم اقوال و ادله فقهاء در آن ذکر شده است. به جهت اهمیت موضوع، مناسب دیدم که آن مطالب را نیز به بحث فعلی مان ملحق کنیم. فلذا در این چند روز، آن جزوه را مطرح می کنیم.

البته همانطور که عرض کردم بحث نماز جمعه خودش عنوان مستقلی است و ما نمی خواهیم پیرامون احکام نماز جمعه سخن بگوییم، بلکه مراد ما فقط پرداختن به اصل وجوب نماز جمعه و اقوال و ادله در این زمینه است. چون بحث فعلی ما در

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱

مورد نمازهای واجب است، و بحث وجوب نماز جمعه نیز دخل در الحاق نماز جمعه به فرائض دارد، به همین جهت از وجوب نماز جمعه بحث می کنیم.

بحث ما پیرامون وجوب نماز جمعه در سه محور خواهد بود:

اول: تنقیح محل نزاع و ذکر کلمات اصحاب پیرامون محل نزاع.

دوم: تنقیح کلمات اصحاب در حکم نماز جمعه، که اختلاف فراوانی در حکم نماز جمعه در عصر غیبت وجود دارد، و سپس به ادله هریک از اقوال نیز اشاره خواهیم کرد.

سوم: تنقیح نصوص مقام، که بحث مستقلاً در مورد نصوص خواهیم داشت و طوایف روایات را ذکر کرده و در پایان مقتضای تحقیق را بیان خواهیم کرد. که به نظر ما نماز جمعه، وجوب تخییری دارد و افضل از نماز ظهر است. یعنی در عین حالی که واجب تخییری است، مستحب هم هست، به این معنا که در بین دو واجب تخییری، بهتر است که نماز جمعه اختیار بشود.

محور اول: تنقیح محل نزاع

اصل وجوب نماز جمعه از ضروریات دین است و قرآن کریم بر آن دلالت دارد.

خداوند متعال در سوره جمعه فرموده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)^۳

مراد از «ذکر الله» در این آیه شریفه، نماز جمعه است و همه فقهاء از خاصه و عامه از این امر استظهار وجوب کرده اند و احدی قائل به استحباب ابتدایی نماز جمعه نشده است.

^۳ سوره جمعه، آیه ۹.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱

همه اتفاق نظر دارند که در عصر حضور معصوم علیه السلام نماز جمعه واجب تعیینی است، یعنی تخییر بین جمعه و ظهر نیست و باید نماز جمعه خوانده شود. منتهی در عصر غیبت اختلاف کرده اند که آیا واجب است یا خیر.

علاوه بر آیه قرآن، و اتفاق فقهای خاصه و عامه، تواتر نصوص از اهل عامه و خاصه هم بر وجوب نماز جمعه داریم، بنابراین بر اصل وجوب نماز جمعه در عصر حضور، سه دلیل قائم شده است. ولی وجوب نماز جمعه در عصر غیبت محل کلام و نزاع است.

مرحوم کاشف الغطاء فرموده است:

«و وجوبها في الجملة في أيام النبي صَلَّى الله عليه و آله و سلم و مبسوط الكلمة من الأئمة عليهم السلام بطريق العينية و التعيينية من الأمور القطعية، بل الضرورية. و منكر وجوبها في ذلك العصر يُرمى بالردة»^۴.

کاشف الغطاء از اساتید صاحب جواهر است.

ایشان اصل وجوب نماز جمعه در عصر حضور معصومین علیهم السلام را به نحو عینی و تعیینی، قطعی و ضروری می داند. و کسی که منکر وجوب نماز جمعه در عصر غیبت باشد را مرتد حساب می کند.

دلیل این ضروری بودن را هم قبلاً بیان کردیم و گفتیم که برای ضروری بودن وجوب نماز جمعه در عصر غیبت سه دلیل داریم که عبارتند از: آیه قرآن، اتفاق فریقین، تواتر نصوص.

و وجوب عینی در مقابل کفایی، و وجوب تعیینی در مقابل تخییری است.

محقق نراقی نیز فرموده است:

«صلاة الجمعة واجبة في الجملة، بإجماع الأئمة، بل الضرورة الدينية. و تدلّ عليه - مضافاً إليهما - السنة المتواترة بل الآية الشريفة على ما ذكره الأكثر»^۵.

۴ کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء - ط الحديث، کاشف الغطاء، الشيخ جعفر، ج ۳، ص ۲۴۷.

۵ مستند الشيعة، النراقي، المولى احمد، ج ۶، ص ۹.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱

بنابراین ایشان نیز اصل وجوب نماز جمعه را ضروری دانسته است.

صاحب جواهر نیز متعرض موضوع شده و فرموده است:

«بلا خلاف فيه بين علماء الإسلام، بل هو عندهم من الضروريات المستغنية بذلك عن ذكر ما يدل عليه من النصوص و الإجماعات».^۶

این مطالبی که گفتیم مربوط به عصر حضور بود، که وجوب نماز جمعه در عصر حضور، ضروری است و مخالفی ندارد. اما در مورد عصر غیبت اختلاف واقع شده است که آیا نماز جمعه جایز است یا خیر.

علامه حلی در تنقیح محل نزاع در عصر غیبت در «قواعد» چنین فرموده است:

«و هل تجوز في حال الغيبة - و التمكن من الاجتماع بالشرائط - الجمعة؟ قولان».^۷

و محقق کرکی در شرح این کلام علامه، دو قولی که ایشان گفته اند را بیان کرده است.

علامه حلی در تذکره نیز همین مطلب را آورده است. صاحب جواهر کلام ایشان را اینگونه نقل می کند:

«و هل للفقهاء المؤمنين حال الغيبة و التمكن من الاجتماع و الخطبتين صلاة الجمعة؟ أطبق علماؤنا على عدم الوجوب، و اختلفوا في استحباب إقامتها فالمشهور ذلك، و قال ابن إدريس و سلاز: لا يجوز».^۸

تعبیر «هل للفقهاء المؤمنين» یعنی آیا بر فقهای امامیه جایز است که در عصر غیبت نماز جمعه را اقامه کنند یا خیر؟

«أطبق علماؤنا على عدم الوجوب» یعنی به نحو کلی گفته اند که واجب نیست، و مرادشان این است که واجب تعیینی نیست، ولی در اینکه آیا واجب تخیری است یا خیر، و آیا تقدیم جمعه بر ظهر، فضیلت دارد یا خیر، اختلاف کرده اند.

«فالمشهور ذلك» یعنی مشهور اولاً واجب تخیری دانسته اند، و ثانیاً نماز جمعه را افضل از نماز ظهر به حساب آورده اند.

^۶ جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۱۱، ص ۱۳۳.

^۷ جامع المقاصد، المحقق الثانی (المحقق الکرکی)، ج ۲، ص ۳۷۴.

^۸ جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱

ولی ابن ادریس و سلار اصلاً نماز جمعه را جایز و مجزی از نماز ظهر ندانسته اند.

صاحب حدائق اقوال در مورد نماز جمعه را به نقل از پدر شیخ بهائی سه قول دانسته و فرموده است:

«و ملخص الأقوال ثلاثة: الوجوب الحتمي من غير تعرض للمجتهدين و هو ظاهر كلام كل العلماء المتقدمين و جماعة من المتأخرين. و الثاني الوجوب التخييري بينها و بين الظهر و هو مذهب المتأخرين ما عدا سلار و ابن ادریس، و ادعوا عليه الإجماع و لم يشترطوا مجتهداً. و الثالث المنع منها حال الغيبة مطلقاً سواء حضر المجتهد أو لا و هو مذهب سلار و ابن ادریس»^۹.

مقصود ایشان از قول اول که تعبیر وجوب حتمی را بکار برده است همان وجوب تعیینی است، که ایشان این را به قدماء نسبت داده است.

و قول دوم هم وجوب تخیری است.

با این حساب، فرق کلام صاحب حدائق با تذکره علامه در این است که علامه قول به وجوب تخیری را مشهور دانسته و به علماء نسبت داده است، ولی صاحب حدائق وجوب تعیینی را به قدماء نسبت داده است.

علامه حلی مرز بین قدماء و متأخرین است و وقتی که ادعای شهرت بین علماء می کند معنایش این است که این قول بین قدماء و متأخرین مشهور است.

سومین قولی که صاحب حدائق نقل کرده است منع از نماز جمعه است که قول سلار و ابن ادریس است.

^۹ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۹، ص ۳۸۸.